

۲۳. در قسمت دوم کتاب، یعنی اهم آثار در فقه استدلالی، از کتابهایی نام برده اند که فقه استدلالی نیست. از باب نمونه در ص ۱۰۰، المختصر النافع از محقق حلی؛ و در ص ۱۱۶، تبصرة المتعلمین از علامه حلی؛ و در ص ۱۹۷، الاسطوبولیة فی الواجبات العینیة. و اصولاً در چنین اثری اکتفا به ذکر آثار استدلالی فقهی، چندان صواب نیست. خوب بود همه آثار فقهی موجود یک جا ذکر می شد و آثار غیر استدلالی با نشانه ای (مثلاً با یک ستاره) مشخص می شد و در جایی توضیح داده می شد که نشانه چیست.

همچنین نویسنده برخی آثار را هم در بخش کتب فقهی استدلالی ذکر کرده و هم در بخش رسائل عملیه؛ از باب نمونه: الف) وسیلة النجاة مرحوم آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی، در ص ۳۷۲ در بخش کتب فقه استدلالی ذکر شده؛ و در ص ۴۰۶ نیز در بخش رسائل عملیه آمده است.

ب) تحریر الوسیلة حضرت امام خمینی - اعلی الله کلمته - در ص ۳۷۵ در بخش آثار استدلالی ذکر شده؛ و در ص ۴۰۶ نیز در بخش رسائل عملیه آمده است.

ج) مناسک الحج صاحب معالم، در ص ۲۱۶ در بخش آثار استدلالی آمده؛ و در ص ۳۸۲ نیز در بخش رسائل عملیه یاد شده است. از برخی از آثار فقهی موجود هم مطلقاً یاد نشده است. مانند: الف) حواشی شهید اول بر قواعد علامه، معروف به حواشی نجاریه؛ ب) رساله لاضرر شیخ الشریعة اصفهانی. (با اینکه در ص ۳۷۶ از رساله لاضرر حضرت امام - قدس سره - یاد کرده اند؛ ج) رساله عزیه محقق حلی (غیر از آن رساله عزیه که در ص ۱۰۰ یاد شده است. چون محقق دو رساله عزیه دارد و هر دو هم موجود است)؛ د) صلاة الجمعة مرحوم آیه الله شیخ مرتضی حائری که از دقیقترین آثار در این زمینه است.

۲۴. اغلاط چاپی و شبه چاپی کتاب هم کم نیست؛ و از باب نمونه: ایضاح المقاصد غلط، و صحیح آن ایضاح الفوائد است (ص ۱۲۲، س ۲۲)؛ حلیوس غلط، و صحیح آن ملحوس است (ص ۱۳۶، س ۲۲)؛ ربیعة غلط، و صحیح آن زمعة است (ص ۱۹۴، س ۴؛ رک: منیة المرید، مقدمه مصحح، ص ۳۴)؛ المقامع الفضل غلط، و صحیح آن مقامع الفضل است؛ (ص ۳۱۲، س ۱۹)؛ ۷۲۶۲ غلط، و صحیح آن ۷۲۶ است (ص ۴۱۱، س ۲۲)؛ تاریخ درگذشت علامه حلی).

تسامحات فنی هم در کتاب دیده می شود: در ص ۱۶۲، نام کتاب الدررة الدریة ذکر شده، ولی ذکر از نسخ آن نیست. در ص ۴۱۴ و قبل از سطر ۱۱ (= فهرست: فهرست المخطوطات)، ظاهراً یک سطر ساقط شده؛ و گرنه سطر ۱۱ بی معناست. در ص ۳۶۸، کلمه فوق الذکر که اشتباه فاحش ادبی است به وسیله مترجم استعمال شده است.

۲۵. در بخش مآخذ به نام کتابهایی برمی خوریم که معلوم نیست مؤلف در کجای کتاب از آنها استفاده کرده است. مانند ص ۴۱۷ که سنن بیهقی، ترمذی، دارمی، نسائی، در ردیف مآخذ ذکر شده است.

۲۶. از اواسط کتاب به بعد، تاریخ کتابت نسخه های معرفی شده، ذکر نشده که نقیصه بزرگی است. چه خوب بود مانند اوائل کتاب، تاریخ کتابت نسخه ها نیز ذکر می شد تا فایده آن عام گردد. نیز مناسب بود از هر کتابی که نام برده شده، جایگاه آن در ذریعه نیز مشخص می شد. که جای زیادی هم نمی گرفت. تا خواننده اطلاعات بیشتر درباره اثر را به راحتی در ذریعه بیابد.

در ذکر حواشی و شروح کتابها، روش واحدی اعمال نشده و معلوم نیست شیوه نویسنده چیست. برخی شروح و حواشی در ذیل کتابهای مربوط ذکر شده و برخی هم ذیل عنوان نویسنده آن. مناسب بود کلیه آثار فقهی موجود، ذیل عنوان خودشان ذکر می شد و هر کدام که شرح و حاشیه کتابهای دیگر است؛ تنها در ذیل کتابهای دیگر، نامش ذکر می شد و با کد گذاری روشمند، به جای اصلی ارجاع می شد. از لحاظ حروفچینی و امور فنی هم دقت کافی نشده و قدری آشفتگی در کتاب به نظر می رسد. سرصفحه ها گویا نیست و حواشی و شروح کتابها با اصل کتابها طوری به هم آمیخته است که تمیز کتابهای اصل از شرح قدری مشکل است. امکان داشت اسامی کلیه شروح و حواشی را با حروف نازکتر و با تورفتگی حروفچینی کرد تا وضوح بیشتری داشته باشد. (از لحاظ رعایت این گونه نکات دقیق و فنی، کتاب ارزشمند زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی، چاپ و نشر مرکز نشر دانشگاهی واقعاً الگو و جالب است).

۲۷. شماره کتابهای فقه استدلالی و رساله های عملیه به صورت پیاپی آمده که لازم بود، تفکیک شود همچنین لازم بود نام

درنگی در شرح حکمت متعالیه

محسن غرویان

فلسفه در جهان اسلام تاریخ شگفتی دارد: زمانی فلسفه و فیلسوفان مطرود بودند، و گاهی دیگر مطعون برخی از نحله‌ها و جریانهای فکری، و سرانجام مدتی ملعون پاره‌ای از مقدس‌نمایان. با این همه فلسفه و حکمت به عنوان یک ضرورت در نظام فکری اسلام، ثابت و استوار باقی مانده است و جز این نیز نمی‌تواند باشد. گو اینکه برخی پنداشته و یا سعی کرده‌اند به پندارها دهند که فلسفه در نظام فکری مکاتب الهی و تفکر دینی جایی ندارد و پایه‌های آن بر بنیادی استوار نهاده نیست؛ اما هوشمندان دانند که فلسفه را نمی‌توان چونان زائده‌ای در نظام دینی پنداشت که بتوان آن را برداشت و به دور انداخت. فلسفه چونان «جنس» در همه انواع مذاهب آسمانی حضور دارد و می‌دانیم که ذاتی هرگز قابل تفکیک نیست. انسان مذهبی را هرگز گریزی از تعقل و تفلسف نیست و سوالات فلسفی چنان نیستند که ما به سراغشان رویم؛ آنان خود به سراغ ما می‌آیند. و راز تلاقی آغاز تاریخ اندیشه با آغاز ظهور فلسفه را در این نکته باید جست.

مشرق زمین همواره مهد ظهور حکیمان و فیلسوفان بزرگی بوده است و این خود از برکت معارف و حیاتی کتابهای آسمانی و سفیران ربانی است. دیار ما ایران نیز در دامان خویش حکیمان ناموری چونان فارابی، بوعلی، شیخ اشراق، خواجه طوسی و صدرای شیرازی را پرورش داده است. از این میان بوعلی، شیخ اشراق و صدرالمتألهین، هریک به عنوان پرچمدار مشربی خاص در فلسفه الهی شناخته شده‌اند: حکمت بوعلی به عنوان شرح آراء ارسطو (حکمت مشاء) خوانده شد؛ و فلسفه

مؤلفان به طور کامل ذکر شود و نه «صاحب جواهر» (ص ۳۴۳) و «شیخ انصاری» (ص ۳۴۴) و...

ایضاً تدوین فهرست اعلام از لوازم حتمی چنین اثری است و کسی که تاریخ وفات مؤلفان را نداند در مراجعه به آن دچار زحمت و هدر دادن وقت می‌شود.

در پایان مجدداً یادآوری می‌شود که بسیاری از خطاها و اشتباهات اثر مورد نقد، معلول اشتباه فهرستهای نسخه‌های خطی است؛ و از آنها به این کتاب منتقل شده است. بنابراین یادآوری می‌شود که برخی خطاهای یاد شده، مستقیماً متوجه مؤلف این اثر نیست و ناشی از نابسامانیها و خطاهای منابع کتابشناسی ماست. سوگمندانه اغلب فهرستهای نسخه‌های خطی ایران، فاقد دقت لازم است و با سهل انگاری و عدم دقت در نسخه‌ها و بدون مراجعه دقیق به منابع نوشته شده و اشتباهات فراوانی در آنها روی داده است.

کسانی که از نزدیک با کتابشناسی و نسخه‌های خطی و فهرس‌آشنایی دارند، از زحماتی که نویسنده در راه تدوین اثر مورد نقد متحمل شده، به خوبی آگاهند و قدر این کتاب را می‌دانند.

والله تعالى - من وراء القصد

پی‌نوشتها:

۱. رک: یادنامه علامه امینی: مجموعه مقاله‌های تحقیقی. به اهتمام سید جعفر شهیدی و محمد رضا حکیمی. (چاپ دوم: تهران، مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۱).
۲. منیه المرید. شهید ثانی. تصحیح رضا مختاری. (چاپ اول: قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸). مقدمه مصحح، ص ۱۳-۱۷.
۳. رک: الذریعة الی تصانیف الشیعة. شیخ آقا بزرگ تهرانی. (چاپ سوم: بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق). ج ۷، ص ۲۴۸.
۴. بحارالانوار. علامه مجلسی. (چاپ سوم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق). ج ۱۰۸، ص ۱۴۴. اجازه شهید ثانی به تاج الدین جزائری.
۵. درمنثور. شیخ علی عاملی. (چاپ اول: قم، ۱۳۹۸ ق). ج ۲، ص ۱۸۵-۱۸۶.
۶. رک: «دو کتابشناسی شیعی؛ ۱- از بلاد هند». نشر دانش. (سال دهم، شماره ۲، ص ۵۳).
۷. رک: منیه المرید: ص ۲۴-۲۸، مقدمه مصحح.
۸. «نقد و بررسی اعلام المکاسب». سید جواد شبیری. نور علم. (شماره ۲۱، ص ۶۷).
۹. رک: درمنثور ج ۲، ص ۱۸۶.
۱۰. رک: «نقد و بررسی اعلام المکاسب». نور علم. (شماره ۲۱، ص ۷۱-۷۲).

شیخ شهاب‌الدین سهروردی به مثابه استمرار مسلک افلاطون، حکمت اشراق نام گرفت؛ و سرانجام صدرای شیرازی - ره - با نگاشتن مهمترین اثر فلسفی؛ برهان و عرفان را در هم آمیخت و حکمت متعالیه را بنیاد نهاد.

کتاب اسفار اربعه

اسفار، مهمترین و جامعترین اثر فلسفی صدرالمتألهین و از عمیقترین و گرانقدرترین متون فلسفی است که به عنوان متن درسی فلسفی در حوزه‌های علوم اسلامی تدریس می‌شود. کتاب مزبور مشتمل بر چهار سفر است:

- سفر اول در امور عامه؛
- سفر دوم در طبیعت؛
- سفر سوم در علم الهی؛
- سفر چهارم در علم النفس.

مهمترین سفر از اسفار چهارگانه به لحاظ موضوع سفر سوم است؛ که در معرفت حق و مبدأ اعلی است. سفر سوم مشتمل بر ده موقف است و پاره‌ای از این مواقف؛ فصول چندگانه‌ای را شامل می‌شود. موقف اول درباره ذات واجب، و موقف دوم درباره مطلق صفات باری است. موقف سوم به بحث درباره صفت علم واجب پرداخته و موقف چهارم از قدرت الهی بحث کرده است. موقف پنجم درباره حیات بحث می‌کند و موقف ششم در حقیقت سمیع و بصیر بودن حق گفتگو دارد. مواقف شش گانه یاد شده، جلد ششم از چاپ نه جلدی اسفار را دربر می‌گیرد. مجلد هفتم، شامل چهار موقف دیگر است که عبارت است از: موقف هفتم در باب اینکه خداوند متکلم است و مراد از کلام و کتاب چیست. موقف هشتم در عنایت و رحمت واسعة حق بحث می‌کند. موقف نهم در فیض و ابداع و فعل واجب مطالبی آورده است. و با موقف دهم که درباره دوام فیض وجود حق تعالی بحث کرده است؛ سفر سوم پایان می‌پذیرد.

شرح‌های اسفار اربعه

اسفار - چنان که پیشتر آوردیم - از مهمترین متون فلسفی است و از این روی هر جا که حوزه‌های درس فلسفی برپا بوده، کتاب مزبور در سطوح عالی آن از متون جدی درسی بوده است.

شرح
حکمت متعالیه

اسفار اربعه

تألیف

آیه الله عبداللہ جوادی امینی

فیلسوفان پس از ملاحظه در آن به دیده عنایت نگریسته‌اند و متن آن را در تدریس و تألیف، شرح کرده‌اند. در پرتو این تلاشها و تدریسه‌ها، تملیقه‌ها و حاشیه‌ها و شرح‌های مفصل ارجحندی درباره این کتاب گرانسنگ فلسفی پدید آمده است که برخی از آنها را کتابشناس بزرگ، شیخ آقا بزرگ تهرانی یاد کرده است. (الذریعة، ج ۶، ص ۱۹ و ۲۰).

شرح حکمت متعالیه

این شرح، تدوین و تهذیب درسه‌های استاد گرانقدر حوزه علمیه قم، حضرت آیه الله جوادی آملی است که اینک از مدرسان سختکوش متون فلسفی و عرفانی است. ایشان سالیان درازی در محضر اساتید بزرگی همچون آیات عظام مرحوم فاضل تونی، میرزا ابوالحسن شعرانی، حکیم الهی قمشه‌ای، شیخ محمد تقی آملی، امام خمینی، علامه طباطبائی تلمذ کرده‌اند و اکنون صدها تن از طلاب و فضلاء حوزه از محضر تفسیری و فلسفی ایشان استفاده می‌کنند. آنچه اینک به زیور طبع آراسته شده، دو مجلد از مجموعه مجلدات کتاب است که از مباحث سفر سوم به جهت اهمیت آن، آغاز می‌شود. این مجموعه اولین شرح جامعی است که تمام فصول و مطالب کتاب را شامل خواهد بود و تمام معضلات مباحث آن را از آغاز تا انجام خواهد گشود و مطالب و مقاصد مؤلف را تبیین خواهد کرد. جلد‌های منتشر شده، تنها شرح دو موقف از مواقف دهگانه

است و امید می رود که جلد‌های بعدی نیز به زودی انتشار یابد. دو موقف یاد شده در طی شصت جلسه تدریس شده و بر روی نواز ضبط شده است. محتوای نوارها پس از پیاده شدن توسط گروه فلسفه بنیاد فرهنگی باقرالعلوم -ع- مورد مطالعه و تحقیق و بررسی قرار گرفته و در طی نشست‌های متعددی در محضر استاد و شارح محترم، حکم و اصلاحات لازم در آن صورت گرفته است. تهیه و تحقیق اسناد، تنظیم فهرس، ویرایش متن و... نیز از جمله کارهای گروه یاد شده است.

درنگی در شرح حکمت متعالیه

در اینجا بجاست نکاتی را در تبیین مطاوی این اثر یادآور شویم:

۱- تنظیم زیستنامه شخصیت‌های بزرگ و فیلسوفان یک کار تاریخی است؛ اما مطالعه و بررسی سیر فکری و تحولات روحی یک فیلسوف از مقولتی دیگر است. شارح محترم و استاد ارجمند به عنوان پیشگفتار کتاب، مطالبی عمیق و مباحثی دقیق در طی هفت فصل آورده‌اند و مقصود غائی از آن، این است که حیات معقول - و نه مادی و محسوس - صدرالمتألهین را تفسیر نمایند. در فصل اول و دوم از این پیشگفتار تحت عنوان «حکمت متعالیه و حکیم متأله»، فصل ممیز حکمت متعالیه را از سایر مشارب حکمی باز می‌نمایند. در فصل سوم تحت عنوان «ظهور عدالت کبری در حکمت متعالیه»، مفهوم عدالت در حیطه عقل عملی و نظری روشن شده است. در فصل چهارم مراحل پنجگانه حیات عقلانی ملاصدرا، در کنار ادوار سه گانه حیات جسمانی او به تفصیل بررسی شده است. فصل پنجم درباره تطورات فکری صدرا است و در آن به نمونه‌هایی از ابتکارات و تحولات بنیادی در تفکر صدرائی اشارت شده است. فصل ششم، سفر چهارم صدرالمتألهین (علم النفس) را به تصویر می‌کشد و نکاتی بکر درباره زمان تألیف اسفار ارائه می‌کند. و سرانجام در فصل هفتم تحت عنوان «تفاوت مبنای فلسفی و مبنای تفسیری صدرالمتألهین»، به بیان قاعده «بسیط الحقیقه کل الاشیاء و لیس بشیء منها»، از این دو دیدگاه اشارت رفته است.

۲- شارح و استاد محترم در پایان هر یک از فصول، با عنوان «اشارات»، نکاتی دقیق و تعلیقاتی عمیق و از سر تحقیق

آورده‌اند که برای اهل فن قابل عنایت و تأمل است. این اشارات برخی جنبه توضیحی دارد و پاره‌ای ناظر به تعلیقاتی است که دیگران بر اسفار نگاشته‌اند و برخی متوجه دقایق فلسفی است که برخی صاحب نظران در آثار فلسفی خود آورده‌اند. با این همه کتاب یاد شده - چنان که از نامش پیداست - شرح حکمت صدرائی و اثری است در راستای سنت فلسفی - عرفانی پس از او. و هم از این روی هدف کتاب بیشتر توضیح مباحث و تبیین مقاصد ملاصدرا - ره - در اسفار است؛ نه ارائه یک فلسفه جدید و یا بررسی تطبیقی فلسفه صدرائی در کنار فلسفه‌های جدید اروپایی. چنین انتظاری از این اثر بجای نیست؛ و صد البته که شارح و استاد محترم نیز هرگز بر سر این مدعا نیست. ولی این به معنای فقدان دید انتقادی و رأی ابتکاری در کتاب نیست و این را به خوبی در اشارات پایان هر فصل می‌توان دید. البته این نقد و رأیها و هدم و تأسیسها غالباً از منظر فلسفه صدرائی و در آن حوزه است.

۳- با همه تلاشها و دقت‌هایی که در تدوین و تنظیم و آراستن کتاب به عمل آمده است، هنوز هم برخی غلط‌های چاپی و اشکالات فنی در کتاب به چشم می‌خورد؛ ناهمگونی عبارات در فهرست موضوعات، نبودن عنوان در پاره‌ای صفحات مکرر و... امید که این نواقص و کمبودها در چاپ‌های آینده و در مجلدات دیگر جبران گردد.

۴- از آنجا که اسفار - به اصطلاح اهل فن - کتابی است «سهل ممتنع»؛ شرح آن نیز کمابیش از این ویژگی برخوردار است بنابراین کسانی که می‌خواهند از این کتاب استفاده نمایند باید اولاً زمینه‌های علمی و مقدمات لازم در مباحث منطقی و فلسفی را دارا باشند؛ ثانیاً با مصطلحات اهل عرفان در کتابهای عرفان نظری، همچون تمهید القواعد و فصوص الحکم و مصباح الانس و... آشنا باشند؛ ثالثاً در تلقی مطالب کتاب، بخصوص در فهم پاره‌ای اشارات آخر فصول، از اساتید و متخصصان این مقولات کمک بگیرند.

در خاتمه، مطالعه این کتاب را به همه اساتید و دانشجویان فلسفه و دیگر علاقمندان به حکمت متعالیه و فلسفه صدرائی توصیه می‌کنیم و از درگاه حی داور، توفیقات روز افزون استاد گرانقدر و شارح محترم - دام عزه - و مزید موفقیت‌های مؤسسه محترم «الزهراء» را آرزو می‌نماییم.